

متن پیاده سازی شده جلسه سی و نهم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 20 آذر 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

در نشست قبل عرض کردیم که آیه نبا مباحث لازمش مطرح شد؛ البته نکته ای کلی وجود دارد که در پایان آیات ذکر می کنیم. جلسه قبل کلامی را از محقق عراقی ذکر کردیم؛ ایشان معتقد است که حتما لازم نیست که ما از طریق مفهوم شرط یا وصف جلو برویم بلکه از طریق مناسبات حکم و موضوع می توان مساله را پیش برد.

بیان مطلب: گاهی اوقات قانون گذار ملاک حکم را نمی گوید اما از طریق مناسبات حکم و موضوع می توان فهمید. در آیه نبا می فرماید اگر فاسق خبر آورد تبیین بکنید در اینجا عرف بین و خوب تبیین و خبر فاسق مناسبتی را می فهمد و آن مناسبت این است که چون خبر فاسق است تبیین می خواهد نه چون خبر یک انسان است. همین عرف می گوید اگر خبر عادل بود دیگر تبیین نمی خواهد و در خبر عادل عرف مناسبات حکم و موضوع را اینگونه تشخیص می دهد. مرحوم عراقی گوید حتی اگر مفهوم لقب هم بود باز می توان از طریق مناسبات حکم و موضوع پیش رفت و در مناسبات هم ظهور عرفی فقط لازم است. در اینجا فهمیدیم که دلالت ها گاهی از طریق مفهوم است گاهی از طریق منطوق و گاهی هم از طریق مناسبات است. نکته: مرحوم عراقی اسم قسم اخیر یعنی مناسبات را دلالت اقتضا گرفته است اما به نظر ما تعبیری خوبی نیست چرا که در دلالت اقتضا این است که اگر آن مدلول از کلام گرفته نشود یا کذب پیش می آید و یا لغویت پیش می آید اما ما اگر مناسبت گیری نکنیم کذب و لغویت پیش نمی آید.

آیه دیگر بر حجیت خبر عادل : آیه وجوب نفر

وما كان المومنون لينفروا كافة فلو لا نفر من كل فرقة منهم طائفة ليتفقوا في الدين و لينذروا قومهم اذا رجعوا اليهم لعلهم يحذرون.

از آیاتی است که فضلا با آن آشنا هستند و آیه ورود به حوزه علمیه همین آیه است.

بیش از 1000 سال است که این آیه مطرح است و برخی برای حجیت خبر واحد پذیرفته اند و برخی نپذیرفته اند.

ما قدما را پشت سر گذاشتیم الان از متاخرین می خواهیم بحث را آغاز کنیم ؛ مرحوم شیخ انصاری ، مرحوم آخوند ، و... معتقدند که این آیه دلالت بر حجیت خبر واحد ندارد اما تنها کسی که دلالت این آیه را بر حجیت خبر واحد پذیرفته است مرحوم نائینی و شاگرد فاضلش محقق خوبی است . البته اخیرا دیدم که مرحوم بروجردی هم به نحوی پذیرفته است.

مرحوم آقای صدر، آقای روحانی، آقا مصطفی خمینی هم به این سمت رفته اند که این آیه دلالت بر حجیت خبر واحد ندارد. مرحوم آخوند سه استدلال می آورد البته این سه استدلال در کلام مرحوم شیخ هم هست البته کلام شیخ شلوغ تر است . مرحوم اصفهانی هم سه بیان دیگر را در اینجا ذکر کرده است.

بهترین بیان برای مرحوم نائینی است که ما کلام ایشان را ذکر می کنیم ؛ ایشان در ضمن چند مرحله استدلال خود را بیان می کند.

بیان نائینی: اولین مطلب ایشان این است که می فرماید: در علوم ادبی گفته اند که لعل بر سر علت غایی می آید و علت غایی در وجوب، استحباب، حرمت، کراهت و... تابع ما قبلش است یعنی ما قبلش هرچه باشد همان حکم را خواهد داشت ؛ وقتی آیه می گوید عده ای کوچ کنند تفقه کنند و... لعلهم يحذرون این لعل علت غایی است یعنی این قدر کار برای بر حذر کردن مردم است. اگر ما قبل واجب باشد يحذرون هم واجب می شود و شکی نیست که نفر، تفقه و انذار واجب است پس حذر هم واجب است.

مقدمه دوم: آیه می فرماید: لینذروا، لیتفقوها و... آیا اینها که جمع است و عام، این عام مجموعی است یا استغراقی است؟ بحثی نیست در این موارد عام استغراقی است نه مجموعی

مقدمه سوم: این حذر یعنی جمعیت بروند و تفقه کنند و حذر عملی کنند یعنی مردم حرف مبلغین را بگیرند و به آن عمل کنند.

مقدمه دیگر: خداوند هیچ قید و شرطی نگذاشته است یعنی نگفته که یک عده بیایند تفقه کنند و مردم را بر حذر کنند البته اگر حرفشان متواتر بود مردم بترسند نگفته اگر حرف مبلغین علم آور بود مردم بترسند و.... آیه مطلق است و حرفی از تواتر و علم آوری و... نزده است.

بله : اگر ناقلین فاسق بودند یا متفقه نبودند در اینجا قبول قولشان لازم نیست .

با این مقدماتی که مرحوم نائینی مطرح کرد حجیت خبر واحد عادل اثبات می شود .

برخی از بزرگان بعد از نائینی سخن ایشان را نقد کرده اند مرحوم عراقی و مرحوم امام این گفتار نائینی را نقد کرده اند.

بین ناقدین کلام مرحوم امام خمینی کاملتر است.

بیان اشکال از ناحیه مرحوم امام خمینی: اشکال اول: شما گفتید لعل همه جا بر سر علت غایی می آید ما از قرآن موردی می آوریم که لعل بر سر علت غایی نیامده است فلعلک باخع نفسک علی آثارهم ان لم یؤمنوا بهذا الحدیث ... در این آیه لعل علت غایی نیست.

**و الحمد لله رب العالمین**